بررسی رابطه تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزشها با میزان مهاجرت دانش آموزان المپیادی به خارج از کشور

دکتر کیومرث فلاحی[1]

چکیده

سرمایه انسانی مهمترین عامل توسعه و پیشرفت جوامع گوناگون است و نخبگان نقشی تعیین کننده در آن دارند. در ۱۴سال گذشته، ۶۲ درصد از دانش‌آموزان مدال‌آور المپیادی کشور، ترک وطن کرده و به کشورهایی چون آمریکا و کانادا کوچیده اند. هدف این نوشتار بررسی رابطهٔ تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزشها در میان دانش‌آموزان برتر المپیادی با میزان گرایش مهاجرت در میان آنان بوده است. این بررسی با روشهای توصیفی از نوع پیمایشی به انجام رسیده و برای شناخت ابعاد آن از تحقیقات تاریخی نیز بهره گرفته شده است. حجم نمونه پژوهش با بهره‌گیری از فرمول کوکران، به شیوهٔ تصادفی و خوشه‌ای،۳۰۰ نفر بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم‌افزارهای معتبر و شاخصهای آماری توصیفی و استنباطی و جدولهای توزیع فراوانی و محاسبه درصدها صورت گرفته است. اعتبار پرسشنامه‌ها با دوبار آزمایی و محاسبهٔ ضریب آلفای کرونباخ انجام یافته و روایی آنها تأیید شده است. در نهایت در میان انگیزه‌های درونی و بیرونی مهاجرت در جامعه نمونهٔ مورد نظر، نقش عوامل اجتماعی – فرهنگی (هویت، خانواده، پایبندی به سنتها و ...) تاثیر بیشتری داشته است. یافته‌های این بررسی نشان داده که در میان دانش آموزان المپیادی که تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزشها از جمله باورهای مذهبی قوی‌تر بوده، گرایش به مهاجرت کمتر بوده است. این بررسی از میان نظریه‌های موجود به نظریهٔ اجتماعی و فرهنگی و آرای پژوهشگرانی مانند «لی»، «پیکوت»، «براون» و «میر» که مهاجرت را همواره ارادی نمی‌دانند و به کششها و رانشهای مقصد و مبدا توجه می‌کنند، نزدیکی بیشتری دارد.

کلید واژگان: دانش آموزان المپیادی، استعدادهای درخشان، گرایش به مهاجرت، خانواده، هویت ملی، ارزشها

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۳

۱. عضو هیات علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشکده تعلیم و تربیت kewmarsf@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

مقدمه

کوچ سرمایه‌های انسانی از مسائل و معضلات مهم کشورهای توسعه‌نیافته، درحال توسعه و حتی برخی از کشورهای صنعتی و پیشرفته است(وود[1]، ۲۰۰۹). در کشورمان ایران در سالهای اخیر، معضل فرار مغزها به‌تدریج به یک بحران اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که براساس برخی یافته‌ها، خسارت سالانه ناشی از خروج سرمایه‌های فکری، بیش از سه برابر درآمدهای نفتی کشور برآورد شده است (وقوفی، ۱۳۸۰). ۶۲ درصد از دانش‌آموزان مدال‌آور المپیادی کشور طی ۱۴سال گذشته به کشورهای توسعه‌یافته دنیا اعم از ایالات متحده آمریکا و کانادا مهاجرت کرده‌اند (ایسنا، خرداد ۱۳۹۱). طی بررسی صورت گرفته از مجموع ۲۲۵ دانش‌آموز ایرانی که در سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۶ در ۵۳ المپیاد جهانی شرکت کردند بیش از۱۴۰ نفر معادل ۶۲/۲ درصد آنها هم‌اکنون در یکی از دانشگاههای مطرح دنیا در آمریکا و کانادا تحصیل می‌کنند. هم‌اکنون ۶۹/۲ درصد مدال‌آوران المپیادهای فیزیک، ۷۶/۶ درصد ریاضی، ۵۰ درصد کامپیوتر و ۵۰ درصد شیمی، خارج از مرز جغرافیایی کشور هستند و میزبانان آنها دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی برتر و تاثیرگذار دنیا همچون دانشگاه هاروارد، استنفورد، ام‌آی‌تی[2]، کالیفرنیا[3]، کمبریج[4]، جان هاپکینز[5] و پرینستون[6] در آمریکا و دانشگاه تورنتو[7] و سایمون فریزر[8] در کانادا هستند. مبدأ ۹۴درصد آنها سکوی پرتابی به‌نام «دانشگاه صنعتی شریف است» و مقصد ۶۶/۴ درصد آنها آمریکاست. هم‌اکنون چهار تا پنج میلیون مهاجر ایرانی در ۳۲ کشور جهان حضور دارند. بیش از ۵۰۰ پروفسور ایرانی (معادل با یک پنجم کل استادان ما در داخل کشور) در ایالات متحده به سر می برند(ایسنا، خرداد ۱۳۹۱). همچنین براساس یافته‌های پژوهشی، سه تا چهار نمره از میانگین ضریب هوش ایرانیان بر اثر مهاجرت نخبگان کاسته شده است(نجاتی، ۱۳۹۱) و غم‌انگیزتر آنکه براساس پژوهش صورت گرفته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیش از ۷۰درصد دانشجویان دکترای آن دانشگاه که موفق به دریافت مدرک دکترای خود شده‌اند در اندیشهٔ مهاجرت هستند (منتظر، ۱۳۸۲). به‌گونه‌ای که نماینده سازمان بین‌المللی مهاجرت در سمینار "گزارش وضعیت جمعیت جهان" از کوچ سالانه ۱۸۰ هزار نفر تحصیلکرده ایرانی خبر داده است (اولیایی،

1. Wood
2. Massachusetts Institute of Technology
3. University of California
4. University of Cambridge
5. Johns Hopkins University
6. Princeton University
7. University of Toronto
8. Simon Fraser University

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

۱۳۸۵). در حال حاضر بیش از ۲۴۰۰۰۰ نفر از نیروهای تحصیل‌کردهٔ ایرانی با مدارک تحصیلی دکتری و مهندسی در امریکا ساکن هستند(بررسی وضعیت علمی و فرهنگی ایرانیان ساکن امریکا، ۱۳۷۲، ص ۸۱). از ۲۶۳ نفر مدال‌آور المپیادهای علمی بین‌المللی در سالیان اخیر فقط ۱۸ نفر به کشور بازگشته‌اند و ۹۰ نفر آنها در دانشگاههای آمریکا تحصیل می‌کنند، از هر ۹۶ دانشجوی اعزامی به خارج تنها ۳۰ نفر به ایران باز می‌گردند (آسمند، ۱۳۸۵). از مجموع ۷۶۱ نفر دانشجویی که مدت بورسیه آنان در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ خورشیدی به اتمام رسیده است، ۷۲ درصد به کشور باز نگشته‌اند[1] (حاج محمدی، ۱۳۸۲). این تنها شمه‌ای از بحران است. آموزش عالی در جهان شکل تجارت به خود گرفته است، دانشگاههای کانادا، استرالیا و نیوزیلند به موضوع جذب دانشجوی خارجی اهتمام جدی دارند(گلاسمن[2]، ۲۰۱۴). همه ساله دانشگاههای استرالیایی و کانادایی با حضور در دو نمایشگاه اختصاصی دانشگاهی، در شهرهای امارات عربی متحده، با ارزیابی مدارک تحصیلی داوطلبان در محل نمایشگاه، مبادرت به پذیرش دانشجو می‌کنند. دولت استرالیا دستیابی به درآمد ۵۰۰ میلیون دلار از محل پذیرش دانشجوی خارجی را در دستور کار خود قرار داده است. درآمد آمریکا از محل جذب دانشجویان خارجی نزدیک به ۱۲میلیارد دلار برآورد شده است. برای بهره‌وری بیشتر از نیروی انسانی و تبیین و تعیین راهبردهای اساسی برای نگهداشت مغزها و نخبگان، نخستین گام درک ابعاد مسأله، تعریف صحیح موضوع و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر آن است که بارزترین آن، پدیده مهاجرت و فرار مغزهاست(کراش[3]، ۲۰۰۶). مهاجرت نخبگان علمی و مدال‌آوران المپیادها از کشور تبعات منفی در پی دارد. دولت باید شرایط و امکانات را به گونه ای فراهم کند که ضمن پیشگیری از خروج نخبگان علمی، روند مهاجرت این افراد شکل معکوس بیابد. متاسفانه توجه مسئولان به ورزشکاران مدال‌آور بسیار بیشتر ازتوجه به نخبگانی است که در المپیادهای علمی برای کشور مدال کسب کرده‌اند، این دیدگاه باید اصلاح شود (محسنی ثانی، ۱۳۹۱). نکته دیگری که بایستی بدان پرداخته شود، وضعیت فرهنگی مهاجران در مقصد است. مهاجرت یک روند اجتماعی است و پیامدهای زبانی، اجتماعی، فرهنگی و روانی گوناگونی دارد که هویت و ارزشهای مهاجر را دستخوش تغییر می سازد. مهاجرت سبب ایجاد تماسها، برخوردها، ارتباطات گوناگون و ... در جامعه میزبان می‌شود که گسترش این عوامل موجب به وجود آمدن پدیده دو زبانگی و چند زبانگی در سطح فردی و اجتماعی می‌شود چرا که

۱. ۲۳ درصد در حال تحصیل هستند و حدود ۵ درصد به کشور برگشته‌اند.

2. Glassman
3. Crush

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

مهاجر ناگزیر، به انطباق زبانی و فرهنگی با جامعه میزبان دست می‌زند و تلاش می‌کند به گونه ای کم و بیش عادی در جامعه جدید جایگاهی پیدا کند. بنا بر نظریهٔ بوتهٔ ذوب و سیاست همگون سازی و ادغام مهاجران به عنوان دیدگاه غالب، بر آن بوده است تا در ایالات متحده امریکا، مهاجران را در فاصله چند نسل در جهت زبان انگلیسی و فرهنگ آمریکایی هدایت کند(مدرسی، ۱۳۹۴). یکی از مواردی که می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کلان کشور در بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی و تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت و تغییر تهدیدها و چالشها به فرصتها کمک کند، آموزش و پرورش و بهره‌گیری از استعداد و زمینه‌های بالقوه این نهاد فراگیر و ژرف‌تأثیر است. شناخت روحیات و نگرشهای نوجوانان و جوانان دانش‌آموز و کسانی که هنوز تصمیم به مهاجرت نگرفته‌اند اما در آینده‌ای نه چندان دور به احتمال زیاد به موضوع و مصداق «فرار مغزها» و نیروهای متخصص، بدل خواهند شد، می‌تواند به اتخاذ تصمیمها و تعیین راهبردهایی مناسب در تعلیم و تربیت منجر گردد که شرایط روحی و زمینه‌های فکری را به گونه‌ای فراهم و آماده سازد تا جوانان نخبه، به‌آسانی هدف «شکار مغزها» قرار نگیرند یا خود، مغزهای آماده برای گریز یا مهاجران مجازی نباشند. از آنجا که مهاجرت در میان ملتهایی چون ژاپن که در میان آنان حفظ هویت و ارزشها و عِرق ملی، بیشتر است، کمتر صورت گرفته است، پژوهش در این مورد می‌تواند راهگشا باشد. برای مثال نهاد تعلیم و تربیت این کشور کتابی با نام « اصول اساسی موجودیت ملی ژاپن » را منتشر کرده است که در آن به شرح ملیت و فلسفه رسمی ژاپن برای معلمان پرداخته است (صفوی، ۱۳۸۶).

بیان مسأله و ضرورت انجام تحقیق

تردیدی نیست که نیروی انسانی نخبه، از عوامل مهم رشد و توسعه هر کشور است. با قاطعیت می‌توان گفت این عامل در صدر دیگر عوامل قرار می‌گیرد. ملتهایی که به رشد و توسعه دست یافته‌اند، در کنار منابع طبیعی از دانش و فناوری لازم برخوردار شده‌اند و با استفاده مناسب از توان نیروهای انسانی نخبه و متخصص، نظام دستگاه تعلیم و تربیت و نهادهای فرهنگی و دانشگاهی و اقتصادی و اجتماعی خود را به گونه ای طراحی کرده‌اند که ضمن مهارت آموزی، انگیزه‌های لازم را نیز در نیروهای مستعد برای ماندن و خدمت تقویت کرده‌اند تا آنان یاری‌رسان کشور و ملتی گردند که با درآمد و مالیات خود در راه تعلیم و تربیت نوباوگان میهن، هزینه‌های مادی و معنوی غیرقابل محاسبه‌ای را بر دوش کشیده اند. مهاجرت فرآیندی پیچیده و وابسته به عوامل متعدد فرهنگی، شغلی، اقتصادی، آموزشی، علمی، سیاسی و حتی ایدئولوژیکی است و این عوامل دست

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

به دست هم می‌دهند و سبب می‌شوند تا فرد از تاریخ و جغرافیای خاصی که تمامی هویت فرهنگی و اجتماعی او را تشکیل می‌دهد، جدا شود و به جایی دیگر پناه ببرد. اما باز هم نکته‌ای مهمتر در این میان نهفته است. فاجعه خروج نخبگان تنها فرار مغزها از کشور به صورت فیزیکی آن نیست، فاجعه اصلی شکل‌گیری اندیشه فرار و گرایش باطنی به رفتن و مهاجرت از میهن است، چرا که مهاجرت ظاهری، مسأله‌ای اساسی و ریشه‌ای نیست. شمار مهاجران بالقوه گرچه در آمارها محاسبه نمی‌شوند اما خسارت آن بارها بیش از مهاجران واقعی است، مهاجر بالقوه هرچند در وطن خود حضوری جسمانی و قراردادی دارد اما فاقد انگیزه نوآوری، مشارکت و تلاش است و چون قادر به تحمل یا تغییر شرایط نیست، به مرور از جامعه فاصله می‌گیرد و چه بسا به عنصری مزاحم و اخلالگر نیز بدل گردد(فلاحی، ۱۳۸۷). این معضل و رفتار همانند دیگر رفتارهای اجتماعی، ریشه در باورها، دیدگاهها، نگرشها و در نهایت گرایش یا سوگیری افراد نسبت به موقعیت مبدأ و مقصد دارد که متاسفانه با وجود نقش خاص ابزارها و رسانه‌های گسترده کشورهای قطب و صاحب سرمایه، ابعادی جدید و پیچیده‌تر به خود می‌گیرد. گذشته از برخی نظرات و دیدگاههای متناقضی که در مورد فرار و مهاجرت مغزها وجود دارد، عده‌ای آن را در مجموع برای دانش جهانی و پیشرفت علوم مفید دانسته‌اند و گروهی دیگر آن را برای کشور صادرکننده و مبدأ مفید و سازنده ارزیابی کرده‌اند. جامعه‌شناسان سوسیالیست از آن به منزلهٔ قاچاق «سلولهای خاکستری» یاد کرده اند و آن را طرحی استثماری برای ربودن مغزهای متفکر کشورهای در حال توسعه تلقی کرده‌اند (فلاحی، ۱۳۸۷). آنچه مسلم است در حال حاضر این امر هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گرانی را بر کشور تحمیل می‌کند. میزان انگیزه خروج یا مهاجرت از کشور به تفاضل دیدگاه افراد در مورد ارزیابی از وضعیت استقرار در موقعیت فعلی و شرایط مطلوب در جامعه یا کشور مقصد به دست می‌آید. هر چه ارزیابی فرد از محیط پیرامون خود در مقایسه با حالت آرمانی منفی‌تر باشد، تمایل و انگیزه او برای دستیابی به موقعیتی مناسب‌تر افزایش می‌یابد و به عکس، هر چه فرد دیدگاهی مثبت‌تر نسبت به وضعیت فعلی خود در ذهن تصور کند انگیزه او برای مهاجرت به خارج از کشور کاهش خواهد یافت. هر چند پدیده مهاجرت به‌طور عام و خروج مغزها و نیروهای نخبه به‌طور خاص با پیشینه‌ای طولانی در بیشتر کشورهای جهان وجود داشته است و دارد، اما در جهان امروز جلوه آن بارزتر و پررنگ‌تر شده است، از طرفی نیاز مبرم کشور ما به حفظ منابع مالی و انسانی، توجهی جدی‌تر را به موضوع راههای جلوگیری از خروج یا مهاجرت اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. آمارها نشان دهنده این واقعیت تکان‌دهنده اند که پدیده مهاجرت به‌ویژه

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

خروج مغزها خسارتهای مستقیم و غیرمستقیم زیانبار و بسیار را به کشور تحمیل کرده است که پیشگیری این خسارات و تبعات زیانبار آن نیاز به بررسیهای کارشناسانه و محققانه و همه‌جانبهٔ عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و حتی روانی و داخلی و خارجی دارد. همچنین آمارهای رسمی و غیررسمی ارائه‌شده در زمینهٔ وسعت و دامنه پدیده فرار مغزها در ایران، گویای این واقعیت است که امروزه جریان خروج نیروی انسانی متخصص و برخوردار از سرمایه انسانی بالا و بسیار کارآمدی همچون استادان دانشگاهها، پزشکان، پژوهشگران، مهندسان و غیره، به‌صورت یک معضل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور درآمده و بیمها و نگرانیهای زیادی را در کشور برانگیخته است (خاوری نژاد، ۱۳۹۴). از این رو، ضرورت دارد که پیش از هر کار به مطالعه و تحقیق دربارهٔ عواملی پرداخت که مانع از مهاجرت نخبگان به خارج می شود. گرچه عوامل اقتصادی در مهاجرتها اهمیت بسیار بالایی دارد، اما همواره نمی‌توان آنها را عوامل منحصر به فرد برانگیزاننده به حساب آورد. در طبقه‌بندی انگیزه‌های مهاجرتی (پیکوت،[1] ۱۹۷۵) علاوه بر عوامل ارادی که اغلب جنبه اقتصادی دارد و شامل پیدا کردن کار و کار بهتر، ایجاد مراکز صنعتی و تجاری و دیگر انگیزه‌های شغلی است، به انگیزه‌هایی متعدد همچون انگیزه‌های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه‌های مربوط به تحصیل اعضای خانوار، تحمل‌ناپذیر شدن شرایط زیست در مبدا، تمایل به زندگی در هر جای دیگر، همچنین به انگیزه‌های سیاسی و تاریخی اشاره می‌کند که بخش اعظم آنها به دیدگاههای فرهنگی و اجتماعی افراد مربوط می‌شود و چه بسا به هنگام آغاز مهاجرت و بعد از آن هم بار اقتصادی قابل ذکری نداشته باشد. یکی از عواملی که می‌تواند مانع از مهاجرت نخبگان و جوانان مدال آور المپیادهای علمی گردد، تقویت دیدگاههای فرد نسبت به هویت ملی و تعلق به خانواده و پایبندی به سنتها و ارزشهاست. بارور کردن باورها (مانند علاقه به میهن، دینداری، افتخار به مسلمان بودن و ایرانی بودن، علاقه به سنتها، باورها و غیره) در این افراد، می‌تواند گرایش آنان را به مهاجرت کاهش دهد، زیرا در داخل کشور نسبت به خارج از کشور، توجه بیشتری به این باورها می‌شود. پدران و مادران در پرورش، نگهداری و شکوفایی هر چه بیشتر استعداد و توانمندیهای این دانش‌آموزان در مراحل مختلف تحصیلی نقش مهمی دارند و بایستی بتوانند با همبستگی خانوادگی عمیق‌تر، دلبستگی بیشتر به میهن و یادآوری هویت واقعی و ارزشهای دینی و ملی به ایشان، در کنار توجه به توانمندیهای فرزندان در زمینه‌های علمی و شخصیتی، انرژی مثبتی در آنان برای کسب نتایج مطلوب ایجاد کنند. این نوشته نیز در پی

1. Picouet

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

آن است که با بررسی این موضوع دریابد که میان تعلق خانوادگی، حفظ هویت، پایبندی به سنتهایی مانند باورهای مذهبی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان شرکت کننده در المپیادهای علمی سازمان استعدادهای درخشان چه رابطه ای وجود دارد؟

هدفها و پرسشها

با توجه به آنچه گفته شد، این بررسی در پی دستیابی به هدفهای زیر است:

- بررسی رابطه میان تعلق خانوادگی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی
- بررسی رابطه میان هویت ملی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی
- بررسی رابطه میان پایبندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی

پرسشهای طرح شده در این بررسی عبارت اند از:

- نوع و شدت رابطه میان تعلق خانوادگی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی به چه صورت است؟
- نوع و شدت رابطه میان هویت ملی و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی به چه صورت است؟
- نوع و شدت رابطه میان ارزشها و گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزان المپیادی به چه صورت است؟

روش پژوهش

با توجه به ویژگیها و هدف اصلی این بررسی، می‌توان گفت: این تحقیق از نظر هدف، در زمرهٔ پژوهشهای کاربردی و از جنبه ماهیت و روش در حیطهٔ تحقیقات همبستگی قرار می‌گیرد. در بخش کمی جهت ارزیابی پدیدهٔ مورد توصیف از روش تحقیق توصیفی- پیمایشی (میدانی) استفاده شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

در گردآوری داده‌های مورد نیاز این بررسی، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات مورد نظر از منابع علمی و پژوهشی موجود در کتابخانه‌ها و پایگاههای اطلاعاتی بهره گرفته شده است. برای گردآوری پاسخها و نظرات نمونه‌های تحقیق در زمینهٔ متغیرهای پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق ساخته مورد استفاده قرار گرفته است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

روایی و پایایی ابزار پژوهش

روایی تحقیق حاضر به روش صوری و محتوایی که مهم‌ترین نوع روایی است، برآورد شده است. برای این منظور اقدامات زیر انجام شده است. برای ساخت ابزار اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، هر یک از متغیرها با استناد به منابع علمی متعدد و موثق به صورت عملیاتی تعریف سپس گویه‌های مناسب طراحی شده‌اند. پرسشنامه‌های تحقیقاتی دیگر گزارشهای پژوهشی که مرتبط با موضوع تحقیق بوده، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته‌اند. نمونه مقدماتی ابزار گردآوری داده تهیه و اصلاحات لازم معمول شده است. تغییرات و اصلاحات ضروری ناشی از اجرای آزمایشی پرسشنامه نیز مورد توجه قرار گرفته و اعمال شده است. همچنین برای محاسبه پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به این ترتیب که ضریب آلفای کرونباخ یک اجرای مقدماتی با حدود ۴۵ پرسشنامه به وسیله نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است و این ضریب برای تعلق خانوادگی و هویت ملی ۰,۸۷ و برای گرایش به مهاجرت ۰,۷۹ به دست آمده که نمایانگر همسانی درونی بالای پرسشهای پرسشنامه و اعتبار بالای آن بوده است. همچنین اعتبار بیرونی (قابلیت تعمیم‌پذیری) نتایج از طریق انتخاب تصادفی گونه‌های مورد بررسی تا اندازه زیادی تضمین شده و حجم بالای نمونه (۳۰۰ نفر) از جامعه مورد مطالعه به افزایش اعتبار نتایج کمک بسیار می‌کند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده ابتدا در سطح توصیفی با استفاده از شاخصهای آماری به توصیف و تلخیص ویژگیهای جمعیت شناختی افراد نمونه شامل جنسیت، پایه تحصیلی و سن دانش آموزان شرکت کننده در المپیادهای علمی سازمان استعدادهای درخشان پرداخته شده است. همچنین به منظور بررسی وجود همگونی میان گرایش به مهاجرت و متغیر جمعیت شناختی جنسیت از آزمون کای دو استفاده شده است. سپس در پی بررسی نوع توزیع متغیرهای اصلی پژوهش از آزمون کولموگوروف- اسمیرنوف (KS) کمک گرفته شده است. در نهایت از آزمون کای دو و ضریب همبستگی اسپیرمن به منظور تعیین وجود رابطه و نوع رابطه میان متغیرهای اصلی پژوهش (تعلق خانوادگی، هویت ملی و گرایش به مهاجرت) استفاده شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

متغیرهای تحقیق

تعلق خانوادگی: نمرهٔ فرد به گویه‌های مورد نظر برای این متغیر مانند میزان استحکام خانواده در کشور ما، پاسخ به گویه های وابستگی به والدین، پیوندهای دوستی، داشتن شانس ازدواج مطلوب(تشکیل خانواده) و ... در ایران، نشان‌دهنده سطح تعلق او به خانواده است.

هویت ملی: نمره فرد به گویه‌های مورد نظر برای این متغیر مانند افتخار به مسلمانی، علاقه به نوروز، انجام دادن مراسم چهارشنبه سوری و همچنین نمره‌ای که به کشور ایران داده‌اند یا پاسخی که گویهٔ تحمل دوری از وطن و خانواده‌ام را ندارم، سطح پایبندی او به هویت ملی است. با وجود این متغیرها، یک پرسش مهم و در عین حال عاطفی از دانش‌آموزان پرسیده شده است که در مجموع و با توجه به همه متغیرها و ویژگیهایی که برای دستیابی به زندگی مطلوب و ایده‌آل وجود دارد، نظرشان را در زمینهٔ رابطه هویتی آنها با کشورشان به‌طور غیرمستقیم با این سؤال به چالش می‌کشد: «فکر می‌کنید که اگر در ایران بمانید احساس مفیدبودن بیشتری خواهید داشت یا در خارج از کشور؟»

پایبندی به ارزشها: نمره فرد به گویه‌های مورد نظر برای این متغیر مانند علاقه به شنیدن صدای اذان، نماز خواندن، افتخار به مسلمانی، علاقه به حجاب و اعتقاد به دعا و نذر، نشان‌دهنده سطح پایبندی او به ارزشها، از جمله مذهب است. با بهره گیری از این پرسشها میزان تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزشها، برابر با حاصل جمع گویه‌های یاد شده است. بنابراین حداقل نمره هر یک از متغیرها، برابر با ۵ و حداکثر آن ۲۵ است. نمره ۵ تا ۱۲,۹ با گرایش ضعیف، نمره ۱۳ تا ۱۸,۹ با گرایش متوسط و نمره ۱۹ تا ۲۵ به عنوان گرایش قوی شناخته می شود.

گرایش به مهاجرت: در این پژوهش گرایش به خروج از کشور، به شدت توافق جوانان برای خروج از کشور براساس ملاکها و نمره‌هایی که به شرح زیر تهیه شده است، اطلاق می‌شود. نمره گرایش نشان می‌دهد که فرد تا چه حد تمایل دارد که در خارج از کشور یا در کشور ایده‌آل خود زندگی کند و از دیگر سو حکایت از آن دارد که پاسخگو تا چه حد علاقه‌مند به ارزشها و شرایط فعلی کشور است (اگر زمینه ای فراهم شود برای همیشه از ایران خواهم رفت، یکی از گویه های مورد استفاده برای اندازه‌گیری این متغیر بوده است). در این بررسی نمره گرایش به خروج از کشور، از حداقل ۵۱ تا حداکثر ۲۵۵ بوده است و پاسخگوها از نظر میزان گرایش با فاصله ۶۸ نمره به سه سطح گرایش ضعیف به خروج (۵۱ تا ۲، ۱۱۸/۹)، گرایش متوسط به خروج (۱۱۹ تا ۱۸۶/۹) و گرایش قوی به خروج (از نمره ۱۸۷ تا ۲۵۵)، تقسیم شده‌اند که گرایش سوم (قوی)

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

نشان‌دهنده دیدگاه منفی به کشور است. گزینه‌های پاسخ برای هر پرسش بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است.

جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان نخبه‌ای بوده است که از طریق سازمان استعدادهای درخشان شناسایی شده و در سالهای تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳-۱۳۹۴در المپیادهای علمی کشوری و جهانی شرکت داشته‌اند، شمار این دانش‌آموزان در زمان انجام دادن تحقیق، بیش از ۹۰۰ نفر بوده است.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه آماری طرح، ۳۰۰ دانش‌آموز شرکت کننده در آزمونهای المپیادهای علمی سازمان استعدادهای درخشان بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول معروف کوکران استفاده و شمار افراد نمونه در حدود ۲۸۶ نفر محاسبه و برآورد شده است. برای داشتن تعداد کافی از نمونه‌ها، به ۳۰۰ نفر دانش‌آموز یادشده مراجعه و داده‌های لازم گردآوری شده و در نهایت حدود ۲۸۶ پرسشنامه استخراج و تحلیل شده است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای است. به این‌ترتیب که با توجه به ترکیب ۵۲,۱ درصد پسران و ۴۶,۹ درصدی دختران دانش‌آموز شرکت کننده در آزمونهای سازمان استعدادهای درخشان، سعی شده است تا نمونه نیز هماهنگ و متناسب با جامعه آماری باشد. بنابراین به ۱۵۸ نفر از پسران و ۱۴۲ نفر از دختران شرکت‌کننده در آزمونها مراجعه وپرسشنامه میان آنان توزیع شده است.

یافته‌های پژوهش

براساس جدول شماره ۱، ۴۶,۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دختر و ۵۲,۱ درصد پسر بوده اند؛ ۱,۰ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده‌اند.

جدول ۱. فراوانی مربوط به جنسیت پاسخ‌دهندگان

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
دختر	۱۳۴	۴۶,۹	۴۷,۳	۴۷,۳
پسر	۱۴۹	۵۲,۱	۵۲,۷	۱۰۰,۰
بی‌پاسخ	۳	۱,۰		
کل	۲۸۶	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

به طوری که که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود پایه تحصیلی۳۶,۴ درصد از پاسخ‌دهندگان اول دبیرستان، ۳۵,۷ درصد دوم دبیرستان، ۰,۳ درصد سوم دبیرستان، ۷,۷ درصد چهارم دبیرستان و ۱۴,۷ درصد پیش دانشگاهی است. ۵,۲ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده‌اند[۱].

جدول ۲. فراوانی مربوط به پایه تحصیلی پاسخ‌دهندگان

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اول دبیرستان	۱۰۴	۳۶,۴	۳۸,۴	۳۸,۴
دوم دبیرستان	۱۰۲	۳۵,۷	۳۷,۶	۷۶,۰
سوم دبیرستان	۱	۰,۳	۰,۴	۷۶,۴
چهارم دبیرستان	۲۲	۷,۷	۸,۱	۸۴,۵
پیش‌دانشگاهی	۴۲	۱۴,۷	۱۵,۵	۱۰۰,۰
بی‌پاسخ	۱۵	۵,۲		
کل	۲۸۶	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

براساس جدول شماره ۳، ۲,۸ درصد از پاسخ‌دهندگان در مدرسهٔ سلام، ۲۳,۴ درصد در علامه حلی، ۲,۱ درصد در انرژی اتمی، ۰,۳ درصد در مدرسهٔ آیت الله خامنه ای، ۴۷,۲ درصد در مدرسهٔ فرزانگان، ۱,۷ درصد آیت الله طباطبایی، ۰,۳ درصد مفید، ۰,۳ درصد نیکان، ۰,۳ درصد آیت الله مدنی و ۱۸,۲درصد بهشتی درس می خوانده اند. ۳,۱ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده‌اند.

جدول ۳. فراوانی مربوط به محل تحصیل مدرسه پاسخ‌دهندگان

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
سلام	۸	۲,۸	۲,۹	۲,۹
علامه حلی	۶۷	۲۳,۴	۲۴,۲	۲۷,۱
انرژی	۶	۲,۱	۲,۲	۲۹,۲
آیت‌الله خامنه‌ای	۱	۰,۳	۰,۴	۲۹,۶
فرزانگان	۱۳۵	۴۷,۲	۴۸,۷	۷۸,۳
آیت‌الله طباطبایی	۵	۱,۷	۱,۸	۸۰,۱
مفید	۱	۰,۳	۰,۴	۸۰,۵
نیکان	۱	۰,۳	۰,۴	۸۰,۹
آیت الله مدنی	۱	۰,۳	۰,۴	۸۱,۲
بهشتی	۵۲	۱۸,۲	۱۸,۸	۱۰۰,۰
بی پاسخ	۹	۳,۱		
کل	۲۸۶	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

سن و جنسیت: سن ۱۹/۲درصد از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۱۶، ۳۸,۱ درصد ۱۶، ۱۸,۲ درصد ۱۷ و۲۴,۱درصد ۱۸ و بیشتر است. ۰,۳ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده‌اند. همچنین، در این بررسی،

۱. معیار درصدها، با توجه به سهمیه‌ها و تعداد قبول شدگان هر پایهٔ تحصیلی از سوی سازمان استعدادهای درخشان بوده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

میان متغیر جنسیت و گرایش به خروج از کشور ارتباطی وجود ندارد، زیرا میزان سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر است با توجه به آزمون کای دو صورت گرفته سطح معناداری ۰,۴۳۲، درجه آزادی ۲۶ و مقدار ضریب کای ۲۶/۵۸۱ به دست آمده است.

تجربه داشتن رتبه در المپیادها: در بررسی نمونه آماری از لحاظ تجربه کسب رتبه المپیاد، ۲۶,۲ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای رتبه در المپیاد بوده اند و ۷۱,۳درصد رتبه ای نداشته اند، ۲,۴ درصد نیز پاسخی ارائه نکرده‌اند.

تعلق خانوادگی: یافته‌های این بررسی نشان داد که در نظر ۶۸/۵ درصد از پاسخگویان، استحکام خانواده در ایران بیش از خارج کشور است و در مقابل حدود ۲۴ درصد نیز بر این عقیده بوده اند که استحکام کانون خانواده در خارج کشور بیشتر از داخل ایران است. نکته دیگر این است که رقابتهای فامیلی و دخالتهای دیگران در امور خانوادگی و فردی یکی از سببهای کوچ مهاجرت افراد به‌ویژه از مناطق روستایی به شهری است. در کشور ما به سبب برخورداری از برخی ویژگیهای فرهنگی و ارتباطات خانواده‌ها با یکدیگر در برخی مواقع تعامل خویشاوندان به حد افراطی و دخالت نزدیک می‌شود و موجبات رنجش دیگران را فراهم می‌کند. در حدود ۸۱ درصد پاسخگویان بر این باورند که این رقابت در ایران بالاتر از دیگر کشورهاست و ۱۲/۴ درصد بر حذف آن نظر داشته‌اند و بیان کرده‌اند که این نوع رقابتها در خارج کشور بیشتر و بالاتر است و به عبارت دیگر در ایران کم یا در حد بسیار کم است.

هویت ملی: بررسی میزان هویت ملی و گرایش به خروج از کشور با «نمره‌ای که پاسخگویان به کشور ایران داده‌اند» روشن شده است، این گویه، به عنوان سوال کنترل و برای شفاف‌تر کردن نظرات پاسخگویان طراحی شده است. اما نتیجه آن از جنبه‌های گوناگون جالب به نظر می‌رسد. با توجه به مقدار سطح معناداری، میان این دو متغیر ارتباط وجود دارد و روشن است هر چه گرایش افراد به خروج از کشور افزایش می‌یابد، نمره‌ای که به ایران می‌دهند، کاهش می‌یابد.

جدول ۴. گرایش به خروج از کشور و نمره‌ای که به کشور ایران داده‌اند

گرایش به مهاجرت	نمره اعطایی	کمتر از ۰	۰ تا ۵	۵ تا ۱۰	۱۰ تا ۱۵	۱۵ و بیشتر از ۱۵	جمع
گرایش ضعیف	۱	۰	۱	۳	۱۷	۴۲	۶۳
گرایش متوسط	۲	۲	۷	۳۹	۵۵	۵۲	۱۵۵
گرایش قوی	۳	۰	۸	۶	۱۳	۰	۲۷
	جمع	۲	۱۶	۴۸	۸۵	۹۴	۲۴۵

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

سطح معنا داری	درجه آزادی	کای
۰/۰۰۰	۱۰۰	۱۷۴/۲۶۷

همان‌گونه که گفته شد، به منظور تشخیص آزمون آماری مناسب، از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شده است. جدول شماره ۵ نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف

		پایبندی به ارزشها	گرایش به مهاجرت
تعداد		۲۸۳	۲۷۳
پارامترهای نرمال	میانگین	۳,۵۱۲۱	۳,۴۲۹۳
	انحراف معیار	۰,۸۱۲۴۲	۰,۸۴۸۸۸
آماره کولموگوروف-اسمیرنوف		۰,۰۶۹	۰,۰۷۸
Sig (دوطرفه)		۰,۰۰۳	۰,۰۰۰

براساس جدول شماره ۵، معیار sig در هر دو متغیر کمتر از ۰,۰۵ است. بنابراین، می‌توان ذکر کرد که نمونهٔ تحقیق غیرنرمال است. در نتیجه، برای بررسی ارتباط میان متغیرهای اصلی پژوهش (پایبندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت از کشور) بایستی از آزمون ناپارامتریک کای دو و ضریب همبستگی اسپیرمن نیز بهره گرفته می شد.

با توجه به داده‌های آزمون کای دو(جدول شماره ۶) هر چه سطح پایبندی به ارزشها در فرد بیشتر باشد، میل به خروج از میهن کاهش می‌یابد. سطح معناداری در این آزمون ۰۰۰/.، درجه آزادی ۶۶، و ضریب کای دو ۶۵۸/۴۵۰۰ است.

جدول ۶. نتایج آزمون کای دو مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش

گرایش به مهاجرت	پایبندی به ارزشها	پایبندی ضعیف	پایبندی متوسط	بسیارپایبند	جمع
گرایش ضعیف	۱	۰	۹	۶۱	۶۹
گرایش متوسط	۲	۲	۷۴	۸۵	۱۶۱
گرایش قوی	۳	۱۱	۱۱	۵	۲۷
	جمع	۱۳	۹۳	۱۵۱	۲۵۷

نتایج حاصل از انجام آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در جدول شماره ۷ خلاصه شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

متغیر ها	ضریب همبستگی	sig
پایبندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت	-۰,۶۴۸	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن، رابطه ای معنادار میان متغیرهای تعلق خانوادگی، هویت ملی، پایبندی به ارزشها و گرایش به مهاجرت وجود دارد و هرچه باورهای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

مذهبی افزایش یابد گرایش به مهاجرت کاهش می یابد. در جدول شمارهٔ ۸ نیز پاسخگویان میزان تعلق خاطر خود را نسبت به خانواده، هویت و باورها و ارزشهای جامعه، به گونه ای دیگر نشان داده اند.

جدول ۸ . **پاسخها و دیدگاههای پاسخگویان دربارهٔ شاخصهای مورد نظر برای سنجش میزان هویت ملی و پایبندی به ارزشها**

	گویه	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	نامشخص	جمع درصد	جمع فراوانی
۱	زندگی در ایران را بر هر کشوری ترجیح می‌دهم.	۲۵/۲	۲۳/۱	۲۲/۷	۱۸/۵	۹/۱	۱/۴	۱۰۰	۶۸۵
۲	برای کسی که پول داشته باشد زندگی در ایران بهتر است.	۲۳/۸	۲۳/۸	۳۴/۳	۱۲/۶	۳/۵	۲/۱	۱۰۰	۶۸۷
۳	اگر زمینه‌ای فراهم شود برای همیشه از ایران خواهم رفت.	۱۵/۰	۱۴/۳	۲۳/۱	۲۴/۱	۲۰/۶	۲/۸	۱۰۰	۶۸۵
۴	متخصصانی که برای همیشه به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند «وطن‌فروش» هستند.	۸/۰	۷/۳	۳۰/۸	۲۲/۰	۲۹/۰	۲/۸	۱۰۰	۶۸۱
۵	اگر در خارج از کشور زندگی کنم برای کشورم مفیدترم.	۶/۶	۹/۴	۴۳/۷	۲۶/۲	۱۰/۱	۳/۸	۱۰۰	۶۷۶
۶	برایم فرقی نمی‌کند در کدام کشور زندگی بکنم، فقط ایران نباشم	۳/۸	۴/۵	۲۰/۶	۳۰/۱	۳۸/۸	۲/۱	۱۰۰	۶۸۰
۷	دوست دارم در کشوری زندگی کنم که هر روز صدای اذان را از مساجد آن بشنوم	۲۶/۶	۲۴/۱	۳۸/۱	۵/۶	۳/۱	۲/۴	۱۰۰	۶۸۱
۸	بیشتر کسانی را که می‌شناسم، مایلند برای همیشه در خارج از ایران زندگی کنند.	۱۳/۶	۲۳/۸	۳۲/۵	۲۳/۴	۴/۹	۱/۷	۱۰۰	۶۷۷
۹	برنامه خروج نخبگان از کشور یک توطئه استعماری است	۱۴/۷	۱۴/۰	۳۷/۴	۱۵/۴	۱۵/۷	۲/۸	۱۰۰	۶۸۳
۱۰	پدر و مادرم مرا تشویق به نماز خواندن می‌کنند.	۴۴/۴	۲۶/۶	۱۹/۲	۳/۸	۳/۱	۲/۸	۱۰۰	۶۸۱
۱۱	هر کجا باشم مسلمانم و خود را پاسدار فرهنگ اسلامی می‌دانم.	۴۶/۲	۲۱/۰	۲۴/۵	۳/۸	۲/۴	۲/۱	۱۰۰	۶۸۴
۱۲	تحمل دوری از وطن و خانواده‌ام را ندارم.	۲۹/۷	۲۳/۱	۲۵/۹	۱۱/۲	۷/۷	۲/۴	۱۰۰	۶۸۱
۱۳	هر ایرانی مراسم عید نوروز را بایستی همیشه برگزار کند.	۴۷/۶	۲۳/۸	۱۸/۹	۴/۵	۳/۱	۲/۱	۱۰۰	۶۸۵
۱۴	برگزاری مراسم چهارشنبه‌سوری را ضروری می‌دانم.	۲۴/۱	۲۱/۳	۳۰/۴	۸/۰	۱۴/۰	۲/۱	۱۰۰	۶۸۴
۱۵	دوست دارم در کشوری زندگی کنم که زنان در آنجا حجاب را رعایت کنند.	۲۲/۰	۱۵/۷	۴۲/۷	۱۰/۵	۷/۰	۲/۱	۱۰۰	۶۸۲

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

۱۶	رفتن به سربازی را بـرای هـر جـوان ایرانی لازم می‌دانم.	۲۱/۳	۱۶/۴	۳۱/۱	۱۲/۹	۱۶/۱	۲/۱	۱۰۰	۶۸۲
۱۷	دعا و نذر و نیاز برای رفع مشـکلات روحی بسیار لازم است.	۳۹/۵	۳۲/۵	۱۶/۸	۴/۹	۳/۸	۲/۴	۱۰۰	۶۸۶

پاسخها به خوبی گویا هستند. با توجه به گویه ۱ (زندگی در ایران را به هر کشوری ترجیح می‌دهم) ملاحظه می‌شود که ۴۸/۳ درصد با این نظر به‌طور کامل موافق یا موافق بوده‌اند، حدود ۲۸ درصد (تقریباً نصف رقم قبلی) با آن به‌طور کامل مخالف یا مخالف هستند. در ادامه و در پرسش پنجم از پاسخگو خواسته شده است تا نظر خود را در مورد این گویه که «اگر در خارج از کشور زندگی کنم برای کشورم مفیدترم» را ابراز کند. در پاسخ این پرسش نیز به مخالفت با خروج از کشور بر دیگر حالتها، غلبه بیشتری دارد. به طوری که حدود ۳۶ درصد با این جمله مخالف و بر این نظرند که«بقا در کشور، احساس مفید بودن را افزایش می‌دهد» در مقابل فقط ۱۶ درصد با آن موافق یا به طور کامل موافق بوده اند. در سوال ۶ گویه فوق، به شکل دیگری طرح شد که موافقت با آن نشان‌دهنده گرایش شدید به خروج از کشور و مخالفت اساسی با هنجارها و معیارهای اساسی حاکم بر کشور است. بیش از ۶۸ درصد با این جمله که «فرقی نمی‌کند در کدام کشور زندگی کنم، فقط در ایران نباشم» مخالفت یا به طور کامل مخالفت کرده‌اند. برای تعیین میزان تقید و پایبندی جوانان به ارزشها و آموزه‌های دینی و فرهنگی، پرسش «هر کجا باشم مسلمان و خود را پاسدار فرهنگ اسلامی می‌دانم» طرح شد. در حدود ۶۷ درصد با آن موافق و یا به طور کامل موافق هستند و در حدود ۶ درصد نیز با آن مخالف اند. ۵۳ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که «تحمل دوری از وطن و خانواده خود را ندارند» و در حدود ۱۹ درصد نیز گفته‌اند که قادر به تحمل این وضعیت هستند. در مورد برگزاری عید نوروز، در حدود ۷۱ درصد از جوانان معتقدند که «ایرانی باید مراسم عید نوروز را همیشه برگزار کند». ۴۵/۴ درصدپاسخ دهندگان، بر این باورند که سنت چهارشنبه سوری باید بر پا شود، در مقابل ۲۲ درصد نیز مخالف این رای بوده اند. در این بررسی نزدیک به ۳۸ درصد از پرسش شوندگان کشوری را دوست دارند که زنان در آنجا حجاب را رعایت می‌کنند، و کمتر از ۱۸ درصد نیز کشوری را نمی‌پسندند که زنان حجاب را مراعات می‌کنند. دربارهٔ رفتن به سربازی و اجباری بودن آن، تعداد کسانی که رفتن به سربازی را لازم می‌دانند (۳۸ درصد) و کسانی که آن را لازم نمی‌دانند (۲۹ درصد) تقریباً متعادل است. در این بررسی ۷۲ درصد دانش‌آموزان دعا و نذر و نیاز را برای رفع مشکلات روحی لازم دانسته‌اند و درصد بسیار کمی در حدود ۹ درصد نیز با آن مخالفت کرده‌اند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با آنکه از مجموع یافته‌های این نظرخواهی چنین برمی‌آید که «گرایش دانش‌آموزان المپیادی نسبت به مهاجرت به خارج از کشور بسیار بالا و معنادار است، اما یافته‌ها این نکته مهم را نیز نشان می‌دهد که گرایش به مهاجرت در میان دانش آموزانی که تعلق خانوادگی، هویت ملی و پایبندی به ارزشها از جمله باورهای مذهبی قوی‌تری دارند، کمتر است. تغییر نگرشها که بی‌تردید تغییر گرایش و تمایل به خروج را نیز در پی دارد، کار آسانی نیست و نیازمند همراهی عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری، فرهنگی، روانی و حمایت همه‌جانبه این عوامل است. نتیجهٔ برخی از پژوهشهای پیشین نیز، یافته های این بررسی را تایید می کند، برای نمونه، مؤلفان پژوهش فرار مغزها (عسگری، کامینگز و دیگران، ۱۹۹۷) یکی از مؤلفه‌های مرتبط و تاثیرگذار با خروج نخبگان و فرار مغزها را، شرایط اجتماعی مانند بیگانگی فرهنگی و انطباق‌پذیری ذکر کرده اند. نتیجه یک نظرسنجی درباره عوامل امیدواری دانشجویان نسبت به متغیرهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه (سمتی، ۱۳۷۹) تا حدی با موضوع این بررسی مشابهت دارد. از جمله اینکه از دانشجویان خواسته شده است که عوامل مؤثر در امیدواری را ذکر کنند. بیشتر پاسخگویان نقش خانواده و تعلق به آن را مهم دانسته اند. در پژوهش دیگری که به منظور بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران صورت گرفته است (محسنی ۱۳۷۹)، نتیجه گرفته شده است: آنهایی که کشور را در شرایط پایین‌تری ارزشیابی می‌کنند گرایش بیشتری هم به ترک کشور دارند. با توجه به این موضوع راهکارهای زیر برای کاهش مهاجرت نخبگان پیشنهاد می‌شوند:

- تشویق و ترغیب والدین به ارتباط بیشتر با فرزندانشان به گونه ای که بتوانند زمان بیشتری را با هم بگذرانند.
- ایجاد حس هویت و غرور ملی در میان دانش آموزان و تشویق آنان به فراگیری فلسفه آیینهای سنتی و آشنایی بیشتر با گذشته پر افتخار نیاکان.
- ترغیب دانش آموزان به باورمند شدن و همچنین تشویق آنان به انجام کارهای خداپسندانه و دوری از کارهایی که ترکش نیکو است.

موارد مطرح شده در بالا می‌تواند پایبندی به ارزشها و باورهای مذهبی دانش آموزان المپیادی را تقویت کند و در نهایت گرایش به خروج از کشور را در میان آنها کاهش دهد.

با توجه به خوانش نظریه‌های گوناگون دربارهٔ دلایل و علتهای مهاجرت، پژوهنده و راقم این سطور بر این باور است که دیدگاه این تحقیق به تئوریهای اجتماعی و فرهنگی که مهاجرت را

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

همواره ارادی نمی‌دانند و به کششها و رانشهای مقصد و مبدا توجه می‌کنند، نزدیکی بیشتری دارد. این نظر به دیدگاههای جاذبه مهاجرتی «زیمپ[1]»، «پرتز[2]» و «اورت اس. لی[3]» و تئوری بحران منزلتی آنان متکی است و از این نگاه به مساله و مطالعهٔ موضوع نگریسته است. نباید از یاد برد که در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، قرار است ایران قدرت اول منطقه باشد و این مهم بدون حضور آزاد و توانمند نخبگان در عرصه‌های مدیریتی کشور محقق نمی‌شود و همین دانش آموزان المپیادی امروز در آینده ای نه چندان دور بخشی از آنان هستند.

1. Zimop
2. Peretz
3. Lee , Everett S.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]

منابع

آسمند، علی. (۱۳۸۵). *میزگرد بررسی ابعاد فرهنگی واجتماعی پدیده فرارمغزها در ایران*. تهران: معاونت علمی بسیج دانشجویی و باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران.

اولیایی، محمد. (۱۳۸۵). *سمینار "گزارش وضعیت جمعیت جهان"*. گزارش سمینار۸۵/۷/۱۵. تهران: دانشگاه تهران.

بررسی وضعیت علمی و فرهنگی ایرانیان ساکن امریکا. (۱۳۷۲). نیویورک: نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد.

حاج محمدی، زهرا. (۱۳۸۲). می روند و نمی آیند. *روزنامه همشهری*، شنبه ۲۳ اسفند، شماره: ۳۳۳۴.

خاوری نژاد، سعید. (۱۳۹۴). *بررسی جنبه‌های نظری و عملی مهاجرت نخبگان ایرانی در سالهای ۹۰-۱۳۷۰*. تهران: انتشارات اقتصاد.

خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» (۱۳۹۱، ۹ خرداد). *۶۲ درصد مدال‌آوران المپیادی مهاجرت کرده‌اند*. کد خبر: ۹۱۰۳۰۹۰۶۰۷۱.

سمتی، محمد هادی. (۱۳۷۹). *روابط بین الملل، کالبد شکافی یک تحول*. تهران: دانشگاه تهران.

صفوی، امان الله. (۱۳۸۶). *روند تکوینی و تطبیقی تعلیم و تربیت جهانی در قرن بیستم*، چاپ پنجم. تهران: انتشارات رشد.

عسکری، حسین و کامینگز، جان توماس و سایر همکاران. (۱۹۹۷). *فرار مغزها، انتقال معکوس تکنولوژی*، (ترجمه مجید محمدی، ۱۳۷۶). تهران: نشرقطره.

فلاحی، کیومرث. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده. *دانش و توسعه*، ۱۵ (۲۴)، ۱۰۷-۱۳۷.

محسنی ثانی، محمد رضا. (۱۳۹۱). مهاجرت مدال‌آوران المپیادهای علمی تبعات منفی دارد. *خبرگزاری آریا*، سه شنبه ۹ خرداد،www.javanemrooz.com

مدرسی، یحیی. (۱۳۹۴). *زبان و مهاجرت (پیامدهای زبانی مهاجرت ایرانیان به آمریکا)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منتظر، غلامعلی. (۱۳۸۲). فرار مغزها، صدوراندیشه، استعداد، خلاقیت. ارائه شده در *دومین سمینار علم، تکنولوژی و توسعه*. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

نجاتی، محمد حسین. (۱۳۹۱). المپیاد مهاجرت. *روزنامه شرق*، ۹ خرداد، ص. ۱.

وقوفی، حسن. (۱۳۸۰). *فرار مغزها: بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون*. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.

Crush, J. (2006). *The brain drain of health professionals from Sub-Saharan Africa to Canada*. South Africa: Isada.

Glassman, C. F. (2014). *Brain drain - The breakthrough that will change your life*. US: RTS Publishing.

Picouet, M. (1975). *Migration, sources analyze demographics*, Vol5, Paris.

Wood, J. (2009, Oct. 5). Brain drain, The scientific fictions of Richard Powers. *The New Yorker*. Retrieved from http://www.newyorker.com/magazine/2009/10/05/brain-drain

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1394.12.4.6.9]